

نامه‌های رسیده

«بنام خدا و باسلام!»

غرض از نوشتن این چندسطر، ابراز تشکری است خالصانه و صمیمانه جهت برگزاری اولین دوره مسابقات قرآن فارغ التحصیلی سمپاد؛ و نیز عرض یک «خسته نباشید» از ته دل به تک تک عزیزانی که باتمام توان و شور خود سعی داشتند تا بزمی نورانی بر سرخوان گسترده قرآن برگزار کنند؛ سعی داشتند تا راهی بگشایند برای بازهم باهم بودن و در کنار یکدیگر از کمالات هم بهره گرفتن، شادی‌ها، غم‌ها، دلهره‌ها، دغدغه‌ها، مشغله‌ها، دانسته‌ها، ندانسته‌ها و البته محتویات جیبهای خود را روی هم ریختن و دوباره باهم تقسیم کردن!! و نیز برای تجربه لحظاتی نورانی، قرآنی، لحظاتی که کلام قرآن، صوت قرآن و مفاهیم قرآن در آنها جاری بود؛ برای کشف یک حقیقت زیبا و آن اینکه، ما هرکه هستیم، هر کجا هستیم، فرزندان سمپادیم، ما سمپادی هستیم! مهمتر از آن، ما قرآنی هستیم، و آیا این دو کافی نیست که باور کنیم تنها نیستیم، باور کنیم خواهران و برادران ما در جای جای این سرزمین زیبا، همچون ما، دل‌هایشان برای تعالی ایران عزیز می‌تپد، به آن می‌اندیشند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند و چه زیبا راه خویش را برای رسیدن به آن هدف مقدس با معارف نورانی قرآن روشن می‌کنند. با تمسک به قرآن، با دین محوری و دین باوری عمیق، با عزم راسخ، با وجودی سرشار از عشق و امید به آینده، دست‌در دست هم پیش می‌روند تا تکلیف الهی خویش را به کمک هم هرچه بهتر و شایسته‌تر ادا کنند. این مسابقات فرصتی بود برای آشنائی‌هایی جدید، دوستی‌های جدید، برای همفکری بیشتر و نزدیکتر، برای تجدیدقوا و مسابقات آتی فرصتی خواهد بود. برای تجدید این آشنائی‌ها و دوستی‌ها و برای استمرار همفکری‌ها.

اولین دوره مسابقات قرآن فارغ‌التحصیلی سمپاد، همچون مسابقات دانش‌آموزی ارومیه در خاطر جاودانه خواهد ماند؛

خاطره‌ای «سبز» و شیرین، به شیرینی یک «پسته»
حتی اگر سر بسته باشد! .

و در آخر باز هم تشکر می‌کنم، از خدا می‌خواهم توفیق دهد در دوره‌های بعدی نیز شرکت کنم.
فرزانه برزگر فارغ‌التحصیل مرکز آموزشی زینب (س) - شهری

۷۷/۶/۵

«به نام خدا»

با عرض سلام خدمت شما دست‌اندرکاران مجله دوست داشتنی استعداد‌های درخشان .
مدتها بود که بفکر نوشتن نامه‌ای برای شما بودم اما نمی‌دانستم چگونه و از کجا باید شروع کنم تا اینکه به خاطر نگرانی و دلهره و اضطرابی که از آغاز سال جدید برایم پیش آمده تنها راه چاره را نوشتن این نامه برای شما دیدم خواهش می‌کنمهرچه زودتر..... جوابم را بدهید تا با فکر آسوده بتوانم درسهایم را بخوانم و امتحاناتم را بدهم.

مدیر مرکز ما با پدر و مادر من اختلاف دارند و چون من باید دوباره در کلاس سوم راهنمایی امتحان بدهم نگرانم که نکند به طریقی مانع ادامه تحصیل من در این مرکز بشود آیا امکان چنین کاری وجود دارد چگونه؟ در چه شرایطی مدیر می‌تواند از ادامه تحصیل ما جلوگیری کند؟ و آیا اختلاف با والدین باید سر اولادش پیاده شود؟ چون من درسم خوب است و مشکل درسی و اخلاقی ندارم پس چرا باید چنین کاری صورت بگیرد؟ این فکر دائم مانع درس خواندن من می‌شود شما را به خدا زودتر جواب من را بدهید و من را خلاص کنید تا صبح از فکر و خیال خواب ندارم. آیا واقعاً ممکن است سر من تلافی کند؟ آخر مگر من چه گناهی کرده‌ام؟ اگر چنین کاری بکند من چگونه می‌توانم دنبال کارم را بگیریم و ثابت کنیم که ما مقصر نیستیم لطفاً هرچه زودتر جواب مرا بدهید تا با فکر آسوده درسهایم را مطالعه کنم لطفاً جواب مرا در بخش (پرسشهای شما) بدهید منتظر جواب شما هستم خواهش می‌کنم زودتر جواب مرا بدهید.

گ - ف - دانش‌آموز مرکز استعداد‌های درخشان

استعداد‌های درخشان: اگر قرار باشد بخاطر اختلاف سلیقه مدیر با پدر و مادر شما، شما را از مرکز بدون هیچگونه گناهی اخراج کنند، باید خیلی‌های دیگر را اخراج می‌کردند شما ضوابط آموزشی و تربیتی

مرکز را رعایت کنید، اختلاف سلیقه پدر و مادران اثری در ماندن یا نماندن شما در مرکز ندارد. البته پدر و مادران هم اختلاف خود را با دخالت در امور مرکز نباید قاطی کنند، متأسفانه در شهر شما از این نوع والدین کم نداشته‌ایم.

«به نام خداوند یکتا»

حضور محترم آنانکه به پیشرفت می‌اندیشند.

چندی پیش با مطالعه مجله شماره بیست و چهارم شما که در آن در مورد جشنواره خوارزمی و برندگان آن مطالبی درج شده بود (که این نیز قابل تقدیر است)، به فکر چند پیشنهاد افتادم که در عین سادگی؛ در نظر من در صورت برطرف کردن نقص‌ها و اجرای صحیح آن می‌تواند بسیار سازنده باشد. چه در مورد شکوفایی استعداد‌های ناشناخته کشور که عده کمی از آنها در مراکز سمپاد تحصیل می‌کنند و تعداد بیشمار در سایر مناطق و مدارس کشور و چه در راه تسریع در پیشرفت این مجله نسبتاً پرمحتوی.

اول در مورد درج اسامی افراد برگزیده این جشنواره و نیز طرحهایی که آنان ارائه داده بودند است؛ اگرچه شما یک توضیح سه خطی در مورد این طرحها ارائه داده‌اید اما آیا از نظر شما این توضیح کافی است؟ به نظر من که نه تنها کافی نیست بلکه ایجاد هزاران سؤال می‌کند. و شما می‌توانید با چند صفحه ناقابل جوابگوی هزاران ذهن کنجکاو باشید شاید دانستن و بررسی هر یک از این طرحها خود آغازگر طرح نوین دیگری باشد.

دومین مسأله در مورد جوایز نسبتاً اندک این مسابقات بود. (اگرچه مسئول برگزاری آنها نیستید اما نظرتان بی تأثیر هم نخواهد بود.) هرچند مسائل مادی از مسائل معنوی و اهداف غالب شرکت کنندگان محترم جداست؛ و شاید آنها هیچ‌گونه انتظاری نداشته باشند اما در هنگامی که مبلغی بیش از اینها در مسابقات بی‌محتوی و مسخره‌ای چون مسابقه بزرگ؛ مسابقه تلاش و سایر برنامه‌ها به شرکت کنندگانی تعلق می‌گیرد که تنها کمتر از یکساعت کار بدنی انجام داده‌اند آیا این جایز است که به نوآوران کشور که اکثراً ماهها وقت صرف کرده‌اند و نیز مقدار زیادی هزینه، چنین مقدار ناچیزی هدیه داده‌اند، آیا مساعدت بیشتر برگزار کنندگان موجب تسریع در پیشرفت علمی کشور نخواهد بود، و آیا این است حق یک دانشجو؟

از نظر من حتی این هم کافی نیست. آنانکه دم از پرورش استعداد‌های درخشان می‌زنند باید بیش از اینها به فکر باشند. و علاوه بر جوایزی که اهدا می‌کنند، آمادگی خود را جهت مساعدت بیشتر اعلام

داشته و به عنوان مثال با شرکت کنندای که مشخص است طرح‌های بی‌پایانی در ذهن؛ دارد آنچنان همکاری گردد که او تومانی از جیب خود هزینه نکند. از نظر شما این وظیفه‌ی کشوری به جز کشور مسلمان نشین ایران است که جنبه‌ی علمی اسلام را نیز منتشر سازد؟ اسلام لبریز از علم است. علمی که با مذهب و فرهنگ و تدین آمیخته است. و با صراحت و قاطعیت تمام می‌توان عرض نمود که ایرانیان از نظر بهره‌ی هوشی از سطوحی بسیار بالا برخوردارند و از این لحاظ کم ندارند و کسب مقام‌های اول تا سوم در غالب المپیادهای علمی جهانی چیز کمی نیست.

آخرین پیشنهاد من این است که در صورت امکان بابرپایی نمایشگاهی مختص این گونه اختراعات و به نمایش گذاشتن به نوعی افکار مخترعان کشور، سایر مردم را نیز در جریان این پیشرفتهای علمی قرار دهید و یا حداقل تحقیقاتی را که در بخش پژوهشگران جوان دریافت می‌کنید، گلچین شده آنها را برای سایر مراکز بفرستید تا از طریق کتابخانه در اختیار علاقمندان قرارگیرد.

والسلام

با تشکر قبلی از مساعدت شما

فائزه - ب. فرزادگان تهران

استعدادهای درخشان: اطلاعاتی که در مورد طرح‌های برگزیده «جشنواره خوارزمی» در مجله ذکر می‌شود، همانیست که برگزارکنندگان جشنواره در اختیار عموم قرار می‌دهند. در مورد جوایز به شما حق می‌دهیم و جز اعلام این نظر کار دیگری نمیتوان انجام داد. در مورد نمایشگاه هم به فوق برنامه تدارک نمایشگاهی پیشنهاد شده است. انشالله امسال از طرح‌های دانش‌آموزی برگزار خواهد نمود.

«به نام یگانه لایق پرستش»

سلام!

سلامی قوی، بلند، مفهوم

می‌گم بابا، گفتند: ماتیز هوشیم، نگفتند که غیب گوئیم؟! آخر ما چه خبر داریم در مدرسه شما، در سمینار شما و بالاخره در مسابقات مفاهیم و قرآن شما... چه گذشته.

فلان مسئول فلان چیز را گفت، پیرمرد و گل‌دان و شلمچه و گلستان و گل نی و.....

خودتان کمی فکر کنید. آیا دیگران می‌فهمند چی نوشته‌اید؟ (فارسی را پاس بدارید) فارسی سلیس و روان آن است که هر بنده‌ی خدای ناتیزهوش بخواند، بفهمد، (یا لااقل فکر کند و بفهمد).

خدایه‌ی همیشه قلمهاتان را پر جوهر نگه دارد کمی مفهوم‌تر بنویسید، بهتر آن است که بگوئیم:

واضح تر بنویسید.

مثلاً اینکه من حقیر ۲ میلیون و ۳۶۰ مرتبه منهای ۲ میلیون . ۳۵۶ مرتبه نوشته‌ شده ۱۱۹ مجله شماره ۲۵ را خواندم و چیزی نفهمیدم !!! (لطفاً در تیزهوش بودن من شک نکنید ناراحت می شوم)!!!
برایم بنویسید آیا به این ماشین نویستان حقوق، کم می دهید یا ایشان از شغلشان بیزارند که اینقدر همه چیز را اشتباه تایپ می کنند. «یکی مال» را «ماز یک» می نویسند.
لطفاً ایشان را راضی فرمائید چرا که عاقبت ندارد نه در دنیا نه در آخرت ...
خدایه‌ی انگشتهای ایشان را همیشه سالم نگهدارد.

راستی یک شب خیام عزیز را در خواب دیدم، گفت: اگر مدیر سازمان را می دیدم... و من به شما توصیه می کنم حالا که روزگار قسمت نکرد شما و خیام همدیگر را در ایام عمر این ریاضی دان تیزهوش ملاقات کنید پس لااقل بر سر گورش گذری نمائید و همچنین است کمال الملک و عطار خوبان..... از ما گفتن بود از شما نشنیدن اگر فردای قیامت یقه تان را گرفتند نگوئید که نگفته اید.
حالا بچه‌های فرزنانگان و شهید بهشتی نیشابور به کنار.

شعار ما فرزنانگانی‌ها شاد از آنیم که آنیم.

ملیحه افسا

سال سوم ریاضی

دبیرستان فرزنانگان شهرستان نیشابور

استعدادهای درخشان : آن صفحه را یکی از شما - تیزهوشان - نوشته بودید غلط بودن عباراتش هم ربطی به ماشین نویسه‌های زحمتکش مجله ندارد. نامه شما را هم منعکس کردیم. رئیس سازمان هم سالی یکبار سری به خیام و عطارو..می زند.

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

جناب آقای دکتر اژه‌ای

سلام، خسته نباشید؛

ابتدا بگویم که من مدت زیادی نیست که با سازمان شما، آنهم از طریق مجله تان آشنا شده‌ام چون در شهر ما هیچ نشانه‌ای از وجود شما نیست ولی در همین مدت کوتاه علاقه زیادی به سازمان پیدا کرده‌ام.

غرض از نوشتن نامه : من خصوصیتی را که شما برای کودکان تیزهوش بیان کرده‌اید در مجله

خواندم، ولی آیا به نظر شما فقط خصوصیات عمومی را برای این نوع کودکان در نظر باید گرفت. البته نه از نظر توانایی هوشی بلکه از جهت نوع توانایی، توجه زیادی نمی‌کنید؛ ولی من می‌خواهم بدانم شما که تا به این حد از «عزت نفس» و «خودباوری» و... حرف می‌زنید آیا حق کودکانی را که نه در مواردی که شما ذکر کردید بلکه در سایر موارد استثنا هستند، ضایع نکرده‌اید و آیا باعث از بین رفتن اعتماد به نفس آنها نشده‌اید؟ شما گفتید کودکان تیزهوش در همه موارد مهارت دارند یا می‌توانند داشته باشند و خلاصه اینکه استثنا هستند، قبول؛ ولی آیا در همه این موارد و زمینه‌ها در یک سطح توانایی دارند؟ مشخص است که نه؛ از همین جا نتیجه گرفته می‌شود که تنها وضع دانش آموز در مدرسه نمی‌تواند، ملاک تخمین زدن هوش او باشد (تیزهوشی او)، ولی شما فقط امور رایج و عمومی را در نظر می‌گیرید و به نوع دیگری از تیزهوشان که نمی‌توانند در مدرسه آنطور که شما اظهار داشتید باشند و یا نمی‌خواهند، اهمیت نمی‌دهید و با توجه به این اصل که آنها هم از نظر خلق و خوی مانند تیزهوشان دیگر هستند و شاید شکننده‌تر از آنها (به یاد داشته باشید که اینشتین نه در کودکی و نه در دوره دبیرستان هیچ برتری نسبت به دیگر دانش آموزان نداشت و یا شاید این طور برداشت می‌شد که این هم برمی‌گردد به همان دلیلی که قبلاً عرض کردم).

و خواهشی که از شما دارم این است که اگر زحمتی برای شما نباشد می‌خواهم بدانم، وضع دانش آموزان در مدارس سمپاد چگونه است لطفاً کمی از آنجا برایم بگویید؛ ولی قبل از آن من برای شما از وضع تحصیل خودم می‌گویم: کلاس و مدرسه ما طوری است که هیچ فرد تیزهوشی نمی‌تواند آنجا را تحمل کند و یا باعث پرورش و شکوفایی استعدادهای او شود، بلکه کاملاً برعکس است. از طرفی مطالب معلم با تحلیل ذهن، متناسب نیست، معلمان توانایی درک و پاسخگویی به سوالات این نوع دانش آموزان را ندارند که نتیجه آن بی‌اعتنایی به دانش آموز و پایمال کردن روحیه انتقاد جویی و کنجکاوی اوست. دانش آموز هیچ‌امیدی به پذیرفته شدن حرف خود و یا مهمتر بگویم انتقاد و نظر ابتکاری خود ندارد، معلمان یا دانش آموزان را باور نمی‌کنند و یا نمی‌خواهند حرفی روی حرف آنها زده شود، دانش آموزی که نمرات بالاتری دارد (۲۰-۱۹) عنوان نابغه و دانش آموز کنجکاو، عنوان «بانی زحمت» را می‌گیرد در اینجا نه تنها استعدادی شکوفا نمی‌شود بلکه باعث از بین رفتن عزت نفس در این نوع دانش آموزان می‌شود.

سوالی که من از شما (به عنوان متخصص در این زمینه) دارم این است که: چرا من نمی‌توانم هیچ علاقه و درکی نسبت به حسابان و جبر و درکل «ریاضیات» در خود بوجود آورم و در حالی که در

فیزیک و درسهای دیگر می‌دانم که قوه درک بالایی دارم و در همان حدی هستم که دانش آموزان شما هستند، البته این را تنها خودم نمی‌گویم بلکه دیگران هم مصدق حرفهایم هستند (از خودم تعریف نمی‌کنم ولی می‌خواهم لااقل با شما روراست باشم) می‌خواهم بدانم آیا به خاطر نارسایی هوشی من است یا علت دیگری دارد؟ من که خود معتقدم چون نمی‌توانم درک مستقیمی از روابط (فرمولهای) آن داشته باشم و اینکه مجبورم آنها را در وقت بسیار کم، تنها حفظ کنم و سپس آنها را در تمرینها به صورت ابتکاری به کار گیرم، که این دو کاملاً با هم تناقض دارند (وضع کلاسها و معلمان و امکانات ما را هم در نظر بگیرید) و این بزرگترین تناقضی است که در تیزهوش بودن یا نبودن من بوجود آمده است. در حالی که دیگر مشخصه‌های تیزهوش (تیزهوشان از استثنا بودن خود آگاهند، روابط را بهتر درک می‌کنند، درک مستقیمی از اطراف دارند و غیره) در مورد من صدق می‌کند.

حالا نمی‌دانم شما در مورد من چطور قضاوت می‌کنید ولی من به دلایل مذکور، به طور عجیبی سعی در مقابله با این نوع رفتار معلمان و احساس خودم دارم و این باعث سردرگمی من شده است به طوری که خود را کاملاً ناتوان حس می‌کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید و شاید فکر کنید من شما را با مشاور راهنما اشتباه گرفته‌ام ولی شما بگویید، آیا این مطالب را به جز شما به کس دیگری هم می‌توانم بگویم و آیا فایده‌ای دارد؟

با تشکر فاطمه - ع. از مدرسه زینب - رشته ریاضی فیزیک - سوم دبیرستان

از استان اردبیل

استعدادهای درخشان: از اینکه شما در شهری که «سمپاد» مرکز ندارد از طریق مجله با ما مرتبط هستید خوشحال هستیم و بازازاینکه مقالات مجله نظر شما را جلب نموده است. مرکز «سمپاد» تافته جدا بافته نیست با امکانات محدودی که ایجاد شده است سعی می‌شود کمی به دانش آموزان مستعد کمک شود. این بدین معنی نیست که دانش آموزان مدارس دیگر فاقد صلاحیت‌های ذکر شده هستند. ولی آنچه برای هر فرد فرهنگی آزاردهنده است مشکلات عمومی آموزش است که با وجود همه تلاشهای بعمل آمده، بخاطر درصد عظیم دانش آموزان نسبت به کشورهای دیگر و عوامل دیگر کمبودهای ذکر شده توسط شما دیده می‌شود. در مورد عدم علاقه شما به ریاضیات به عامل مشخص نمیتوان اشاره کرد - اگر توانمندی بالاداشته باشید - معلم و فضای آموزشی می‌تواند در این بی‌علاقگی مؤثر باشد که ربطی به استعداد ندارد. و احتمالاً عواملی دیگر نیز دخالت دارند که از طریق مکاتبه نمی‌توان پاسخگو بود.

«به نام خدا»

با عرض سلام خدمت سرور بزرگوارمان جناب آقای دکتر اژه‌ای. آقای دکتر اژه‌ای آنقدر دلمان پر است که نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم و آنقدر مغزهایمان خالی مانده که نمی‌دانیم چگونه توصیف کنیم.

مرکز آموزشی فرزنانگان ما فقط محلی برای جمع‌آوری است و تنها همان کارش - البته اگر بنا بر تعریف نباشد، امکانات درست بودن دارد به آن علت که این آزمون از تهران می‌آید و... ما در طول هفته به غیر از ۲ روز که به علت بزرگوار می‌مدیر محترمه تا ساعت ۱:۱۵ بعد از ظهر ساعات درسی داریم بقیه روزها ساعت ۱۲:۲۰ تعطیل می‌شویم در صورتی که برادرها و خواهرهای کوچکمان که به آمادگی و مهدکودک می‌روند دیرتر از این ساعت مرخص می‌شوند چه رسد به ما با این همه حجم درسی.

ما حتی یک معلم خوب در بیشتر دروس پایه نداریم. به خدا نمی‌خواهیم که شما بگوئید که وقت ما را به خاطر اینکه مدیرشان دبیر درست پیدا نکرده بگیرند! نه! اینطور نیست. ما به مدیران می‌گوئیم اما انگار با دیوار در حال گفتگو هستیم حرفهای ما برایشان اهمیت گوش کردن ندارد شاید هم گاهی گوش می‌دهند اما از یک گوش می‌شنوند و از...

معلم شیمی ما در ظرفیت‌ها مانده نمی‌داند فرمول بعضی مواد شیمیایی ساده آزمایشگاهی چیست و تازه چوب ناراحت شدن ایشان و بعد نبودن تدریس را هم ما باید بخوریم در امتحانات میان و پایان ترم و ثلث‌ها معلم فیزیک هم فقط به خاطر شوخی و مزاح سر کلاس حاضرند بقیه البته بیشتری‌ها نه همه را هم می‌توان مثل ایشان تعریف کرد.

مدرسه ما حتی یک کلاس تقویتی برای ما نمی‌گذارد و برایشان اصلاً مهم نیست که سطح افت بچه‌ها را کمتر کنند در امتحاناتی که از سمپاد می‌آید تمام بار مشکلات به دوش دانش‌آموزان است که باید مطالبی را که نخوانده‌اند بخوانند می‌دانیم شما سؤالی‌های ساده در سطح همهٔ استانها می‌دهید اما بیشتر اوقات ما مجبوریم به علت نرسیدن به خواندن و به علت اینکه سؤالی‌ها برای دبیران لاینحل است بسیاری از آنها را حذف کرده و نمرات را پخش کنیم.

هر سال از جانب شما شخصی برای سرکشی به مرکز ما می‌آید اما پس از اظهار تأسف او هم ما را در همین حال و هوای قبلی می‌گذارد مثلاً یکی از این افراد می‌گفتند: آزمایشگاه مدرسهٔ ما انبار مواد است اما باید بگوئیم نه تنها انبار مواد نیست بلکه آزمایشگاه ما از سطح آزمایشگاههای دوران ارسطو هم

پایین تر است و مجبوریم بیشتر مواد را از مدارس دیگر و کلاً از انجام آزمایش صرف نظر کنیم و فقط تئوری آزمایش را درج کنیم چون مسلماً از وقتی مدرسه افتتاح شده باشد و تا هم اکنون و حتی برای آزمایشگاه، ماده‌ جدیدی خریدیده نشود حتماً از آزمایشگاه‌های دوران ارسطو هم پائین تر است. شهریه‌ها هم که در مرکز ما سرسام آور است با توجه به این نوع مکان آموزشی و طراز امکانات لطف کنید مقدار شهریه را برای مدیرگرمی این مرکز درج نمائید تا بدانند چه مقدار باید بگیرند که فکر نکنم ایشان به ابلاغ شما توجه کنند.

در آخر باید بگوئیم شما واقعاً صبورید که یعنی از هزاران هزار مشکلی را که ما در این مدرسه گریباتگیرش هستیم و به طور مختصر و بسیار خلاصه برای شما نوشتیم گوش دادید واقعاً متشکریم. لطفاً نامه‌مان را در مجله خودتان درج کنید (استعدادهای درخشان) تا بدانیم هنوز می‌توان امیدوار بود. ممنون. دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزنانگان

استعدادهای درخشان: ما منکر مشکلات مراکز شهرستانی نیستیم ولی دانش‌آموزی از مرکز شما به تهران منتقل شد و در بهترین مدرسه غیرانتفاعی با ۳۵ برابر حق‌الثبت شهر شما ثبت‌نام کرد (چون حد نصاب تهران را نداشت) ولی در آبان همان سال در خانه بست نشست و دیگر به مدرسه نرفت و از والدین خود می‌خواست که یا برگردیم به شهر قبلی یعنی شهر شما و یا اینکه من دیگر مدرسه نمی‌روم. مدیر شما مدیرزحمتکشی است، ما در جریان تلاش‌های او هستیم و کم‌لطفی‌هایی که در شهر به ایشان می‌شود. ولی انتظارات شما عزیزان را هم قبول داریم و از کمبودهای مراکز هم رنج می‌بریم.

«به نام خدا»

با عرض سلام خدمت آقای اژه‌ای

من دانش‌آموز سوم دبیرستان هستم که در رشته ادبیات و علوم انسانی مشغول به تحصیل هستم. لازم به ذکر است که دلیل رفتن من به رشته انسانی فقط علاقه بوده است نه اجباری که به دلیل معدل اعمال شده باشد. خواهر من در سال سوم راهنمایی مرکز فرزنانگان تهران تحصیل می‌کند. شنیده بودم سالهای قبل دانش‌آموزانی که در کنکور ورود به دبیرستان موفق می‌شدند و به دبیرستانهای تیزهوشان راه می‌یافتند فقط می‌توانستند یکی از دو رشته علوم تجربی و ریاضی را انتخاب کنند و امکان تحصیل در رشته علوم انسانی را نداشتند حتی اگر علاقه و استعداد فراوانی در مورد این رشته را داشتند. از این موضوع واقعاً متأسف بودم؛ چون عقیده دارم انسانها بدون ادبیات و علوم انسانی قادر به ادامه حیات نیستند اگرچه در علوم فنی و ریاضیات بسیار موفق شوند و از ضعف پیشرفته و بااهمیتی برخوردار باشند و یا در مورد علوم تجربی و پزشکی به حد قابل ستایشی رسیده باشند.

امروزه ما شاهد پیشرفت سریع علم و صنعت در کشورهای اروپایی و غربی هستیم ولی متأسفانه به نسبت همین رشد سقوط اخلاقی و دین را در این جوامع به وضوح می‌بینیم و البته که این رشد و پیشرفت مدنظر اسلام و خداوند تبارک و تعالی نبوده است. البته من قصد بی‌احترامی به دو رشته مذکور را ندارم. اما آن چه همین علم را برای انسان مفید و سازنده می‌کند، جهت و سمت و سوی آن خواهد بود که این میسر نخواهد بود جز با تکیه بر انسانیت انسان و رشد همزمان او در علوم انسانی و الهی.

امسال وقتی باخبر شدم که تصمیم جدیدی مبنی بر امکان تحصیل در رشته انسانی گرفته‌اید بسیار خوشحال شدم. و تصمیم گرفتم از این اقدام بسیار زیبا و مؤثر شما تشکر و قدردانی کنم.

به امید موفقیت شما

زینب یزدان خواه

استعدادهای درخشان: از سال تحصیلی ۷۸ - ۱۳۷۷ دو مرکز علامه حلی و فرزندگان تهران در پایه دوم دبیرستان رشته علوم انسانی دارند و این امر هم انشاءالله ادامه خواهد یافت. امیدواریم در صورت داشتن فضا و داوطلب در شهرهای دیگر هم امکان آغاز این راه را داشته باشیم.

«به نام خدا»

باعرض سلام و خسته نباشید خدمت آقای دکتر اژه‌ای.

من یکی از دانش آموزان مرکز «میرزا کوچک رشت» هستم و در کلاس سوم ریاضی - فیزیک تحصیل می‌کنم. با توجه به اینکه مجله استعداد‌های درخشان یکی از مطمئن‌ترین منابع پاسخگو به پرسشهای ما می‌باشد، از این جهت این جانب موضوعاتی را که در مورد المپیادها و همچنین آزمون آزمایشی که بین مراکز سمپاد در سطح کشور انجام گرفت، با شما در میان می‌گذارم.

اولین سوالی که برای من پیش آمده است، در مورد کنکور آزمایشی می‌باشد که اکثر دانش آموزان پایه سوم در آن شرکت نمودند و پس از مدتی نیز کارنامه مربوط به آن را دریافت کردند. سوال من این است که اصلاً هدف از برگزاری این کنکور چه بوده است؟ آیا هدف مقایسه دانش آموزان سطح کشور است و یا اینکه قصد داشته‌اید سطح علمی دانش آموزان را بسنجید یا بالا ببرید. به هر حال این هدف هر چه بوده است، در راهی نادرست آزموده شده است. چراکه زمان برگزاری آزمون تنها چند روز پس از اعلام بود. آخر چه کسی می‌تواند در مدت دو، سه روز، کتابهای سال اول و دوم را مطالعه نماید و نتایج مناسب کسب کند؟ آیا این روش درستی برای رسیدن به هر یک از اهداف ذکر شده است؟ شاید جوابتان این باشد که زمان امتحان خیلی زودتر اعلام شده و اشکال از خود مرکز است. اما

مسئولین محترم مدرسه فرمودند که ما به محض اطلاع یافتن از این امر به شما نیز اطلاع داده‌ایم. شاید پاسخ دیگران این باشد که اگر این فرصت کم است، پس چرا مراکزی چون علامه حلی تهران (مانند همیشه!) نتایج درخشانی کسب نموده‌اند؟ اما من و همین طور تمامی دانش‌آموزان کلاس و حتی بعضی از مسئولین مدرسه بر این عقیده‌ایم مراکز تهران خیلی زودتر از ما از زمان آزمون باخبر شده‌اند. بنابراین از شما خواهش می‌کنم که در صورتی که بازهم چنین آزمونهایی در کار بود لااقل ۱۰ روز زودتر به ما اطلاع بدهید تا نتایج در سراسر کشور، قابل قبول و در سطح عالی باشد.

● اما مورد دیگر در مورد المپیاد است. برای من این سوال پیش آمده که چرا برای شرکت در المپیادها شرط معدل در نظر گرفته شده است؟

این ضوابط باعث شده‌اند که افراد بسیار مستعدی که در برخی رشته‌ها سرآمد هستند و از امیدهای المپیاد به شمار می‌رفتند نتوانند در المپیادها شرکت کنند، در حالی که دانش‌آموزان مدارس عادی به راحتی می‌توانند در این المپیادها حضور یابند.

● پرسش دیگر من در مورد کاهش شانسه‌های شرکت در المپیادهاست. زیرا در بعضی المپیادها ۲ بار و در برخی تنها ۱ بار فرصت شرکت وجود دارد.

من می‌دانم که این سؤاها بارها و بارها پرسیده شده است و شما هم همیشه در جواب فرموده‌اید که ما طبق ضوابط عمل می‌کنیم و چاره‌ای نیست.

اما جالب است که بدانید وقتی سال اول دبیرستان بودیم در یک کار سوق فیزیک شرکت کردیم و در آن زمان، من و ۴ نفر دیگر از دو کلاس به عنوان نفرات برتر انتخاب شدیم و قرار شد که ۵ نفری، در یک کلاس فوق برنامه شرکت کنیم و مدرس این کلاس آقای «پورموسی» یکی از فارغ‌التحصیلان مرکز رشت بود که در یکی از المپیادهای جهانی فیزیک مدال طلا کسب کرده بود. و نکته قابل توجه این بود که از شاگردان اول و دوم هیچ کلاسی خبری نبود. اما پس از مدتی متوجه شدیم که دانش‌آموزان اول و دوم نزد معاون مالی (که مطمئناً هیچ ارتباطی به موضوعات درسی و فوق برنامه نداشت) رفتند و اعتراض کردند که مگر می‌شود ما که شاگردان اول و دوم هستیم قبول نشویم و در مقابل این پنج نفر انتخاب شوند؟

بنابراین آقای معاون بدون اطلاع دادن موضوع به آقای پورموسی نام این ۲ نفر را نیز به کلاس اضافه نمودند. نمی‌خواهم بگویم حسودیم می‌شود یا چیز دیگر. اما لطفاً شما جواب بدهید جناب آقای ارژهای، آیا زمانی که استعدادها واقعی (البته خودم را نمی‌گویم!) به علت کمبود معدل یا چیزهای دیگر از قبیل ماجرای که تعریف کردم، نمی‌توانند در این المپیادها شرکت کنند و برخی از

سرخوردگی، به گروه تجربی می‌روند که هیچ ربطی به المپیادهای ریاضی و فیزیک ندارد، ضوابط و مقررات حتماً باید حاکم باشد و به هیچ وجه من‌الوجه امکان تغییر آن نیست، اما زمانی که آقایان اول و دوم اعتراض می‌کنند دیگر اصلاً هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد و آنها می‌توانند به راحتی در هر نوع کلاسی که خواستند شرکت کنند. آیا این بی‌عدالتی نیست؟ توجه داشته باشید که این شاگرد اولها در مرحله اول هیچ المپادی در سال دوم پذیرفته نشدند. اما در مقابل کسانی که معدل چندان خوبی هم نداشتند قبول شدند. آیا تمامی این موضوعات حاکی از این نیست که بین دانش‌آموزان تبعیض وجود دارد؟ آیا ماهمگی اعضای خانواده بزرگ سمپاد نیستیم؟ آیا هیچ پدری حاضر می‌شود بین اعضای کم سن خانواده فرق بگذارد؟ بنده از شما که سرپرست سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان هستید خواهش می‌کنم به سؤالات پرسیده شده پاسخ دهید و برای رفع تبعیضها چاره‌ای بیندیشید. پیشاپیش از شما تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

علی حبیب نیا دانش‌آموز سال سوم ریاضی فیزیک مرکز میرزا کوچک‌خان رشت

استعداد‌های درخشان: در تاریخ ۱۴ مرداد ۷۷ کنکورهای سازمان برای تاریخهای ۱۷ مهرماه، ۱۳ آذر (که به ۲۰ آذر تغییر یافت) ۱۴ اسفند ۷۷ و ۲۹ اردیبهشت و تیرماه ۱۳۷۸ به مراکز اعلام شده است که در آن محتوا نیز مشخص شده است میماند به عقب افتادن کنکور ۱۳ آذر به ۲۰ آذر که همانطور که آمد در ۱۴ مرداد ۷۷ قبلاً ابلاغ شده بود. بنابراین، نمیدانم شما به کدام کنکور اشاره داشته‌اید که تنها چند روز پس از اعلام آن آزمون برگزار شده است. اینکه مسؤولین محترم مدرسه چه فرموده‌اند را هم به داوری‌اش نمی‌نشینم چون این مطلب به صورت بخشنامه سراسری که در آن کلیه آزمونها یک جا نوشته شده - به کلیه دبیرستانهای سمپاد ارسال شده است و اگر تاخیری هم در اطلاع صورت گرفته باشد - بهر علتی - فقط می‌تواند در کنکور اول باشد. بنابراین نه تنها ۱۰ روز بلکه ماهها قبل برای آزمونهای آزمایشی فرصت خواهید داشت. برای ما هم اصل این آزمونها بخاطر آمادگی شماست علامه حلی تهران و میرزا کوچک‌خان رشت هر نتیجه‌ای بیاورند، نتایج انفرادی است و ما به آمادگی شما فکر می‌کنیم.

● اما در مورد شرایط معدل المپیادها یکی بخاطر عدم توان پوشش دادن داوطلبان است دیگر اینکه در نهایت عده معدودی به مرحله کشوری راه می‌یابند و سوم همانطور که در این شماره هم منعکس شده براساس پیشنهاد جدید کمیته‌ها و تصویب هیئت امنا باشگاه دانش پژوهان جوان یک نمره از سطح نمره داوطلبان در اکثر المپیادها کم شده است در این تغییر تنها ممکن است از مراکز سمپاد کسی با معدل کم - کف تعیین شده - به مرحله کشوری راه یابد وگرنه برای خارج از سمپاد احتمال

فایده‌ای نیست .

● اینکه چرا در بعضی از المپیادها در دو پایه تحصیلی و در برخی در یک پایه تحصیلی دانش‌آموزان می‌توانند شرکت کنند، علت عمده‌اش طولانی شدن مراحل چندگانهٔ آزمونها، و دوره‌های آموزشی است و تطابق زمان این دوره‌ها با مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی در ارتباط با کنکور سراسری. در المپیاد ریاضی استدلال کمیته تخصصی ریاضی توان رقابت دانش‌آموزان پایه دوم با پایه سوم دبیرستان بود. که این امر را هیئت امناء باشگاه در مورد کامپیوتر هم تعمیم داد.

● در مورد قبولی در المپیادها، «معدل پیشرفت تحصیلی» نقش تعیین‌کننده ندارد. سازمان هم به شاگرد اول‌ها نمی‌اندیشد در عوض به افراد موفق در هر درس بیشتر توجه دارد. امیدواریم این پاسخ طولانی تا حدی روشنگر پرسشهای شما باشد.

«به نام خدا»

خدمت سرپرست محترم سازمان جناب آقای دکتر آژده‌ای

با اهداء سلام و خسته نباشید. قبل از هر چیز تقاضا دارم نامه را تا به آخر بخوانید و به آن پاسخ دهید. امسال یکبار در تاریخ ۷۷/۷/۴ و بار دیگر در تاریخ ۷۷/۷/۱۲ و ۷۷/۷/۱۳ به تهران به امید دیدار و ملاقات شما آمدم تا بتوانیم حضوراً با شما گفتگو کنیم اما متأسفانه میسر نشد و حال به نوشتن این نامه اکتفا نموده‌ایم. طبق گفته‌های مسئولین و مدارک (مجلات سازمان) انتقالی از یک مرکز به مرکز دیگر زمانی میسر است که امتیاز شخص مورد نظر از پایین‌ترین امتیاز آن مرکز کمتر نباشد حتی ۱ امتیاز! پس چگونه است که عده‌ای بوسیله پارتی به راحتی فرزندانشان را از مرکز لار به شیراز منتقل می‌کنند. همین ۱ سال ۴ نفر از لار به شیراز منتقل شده‌اند. البته این تعداد تا جایی که ما اطلاع داریم. تقاضا داریم که عنایت بفرمایید و شخصاً بررسی کنید که از این ۴ نفر کدامیک شرایط قانونی پذیرش را دارا بوده‌اند تا در این میان حقی از کسی ضایع نشود. همه جا صحبت از این است که آقای اژه‌ای انسانی مصمم و قاطع است و مخالف پارتی بازی و غیره. به همین دلیل ما این تقاضا را از شما نموده‌ایم تا عده‌ای بدور از چشم شما نتوانند رابطه را جایگزین ضابطه نمایند. ما هم مثل همه اولیاء خواهان بردن فرزندان در این مرکز هستیم و اگر شرایطی غیر از پذیرش وجود داشته باشد و اولویتی وجود داشته باشد، فرزند ما هر ۳ سال راهنمائی و ۲ ماه دبیرستان را نیز در این مرکز گذرانده و پارسال نیز جزء دانش‌آموزان ممتاز این مرکز بوده است. ما چشم امید به رسیدگی شما در این امر داریم. با عرض پوزش بخاطر گرفتن وقت شما. خداوند پشت و پناهان باد.

فرشته اردلان - داریوش جوانمردی

استعدادهای درخشان : اولیاء عزیز یکبار دیگر پرونده فرزند شما را بررسی کردیم امتیاز ایشان با آخرین نفر پذیرفته شده شیراز ۲۲۳۳۷ امتیاز کمتر است. در مورد ۴ نفر انتقالی از لار به شیراز هم اعلام می‌کنیم هر چهار نفر که مجوز انتقال به شیراز را دریافت نموده‌اند حداقل امتیاز لازم را داشته‌اند. منتها منبای بی‌ضابطه بودن کار سازمان از نظر شما احتمالاً مقایسه پیشرفت تحصیلی فرزندان با این چهار نفر بوده است که بهیچوجه این امر ملاک جایجایی نیست. البته این افراد در پایه‌های مختلف بوده‌اند و بجز یک نفر که امتیاز مشابه با آخرین پذیرفته از شیراز را داشته است سه نفر دیگر به ترتیب ۵۴۳۶، ۶۷۰۰ و ۳۹۹۰۰ امتیاز از نفر آخر پذیرفته شده در شیراز امتیازشان بیشتر بوده است.

نامه‌ها و نوشته‌های شما دریافت شد، برخی سؤالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم:

❑ اراک، مرکز فرزندانگان : نسیم حسینی / فاطمه جعفری، مرکز علامه حلی : رضا اصلاحی ❑ اردبیل، ریحانه چوخابی / میلاد طوایی حمیدی ❑ ارومیه، افسانه نجار دلشادی فارغ‌التحصیل فرزندانگان ❑ اصفهان، مرکز شهید اژه‌ای: علی معین / مرکز فرزندانگان امین: الهه سلیمانی / سحر سلاجقه / گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان ❑ اهواز، مرکز شهید بهشتی: رضا برون / دانش‌آموز مرکز ❑ ایلام، مرکز شهید بهشتی : سبحان کاکایی (دوناامه) ❑ بابل، مرکز فرزندانگان: ا.ح. ❑ بروجرد، ولی دانش‌آموز مرکز فرزندانگان / شیماسحسینی / نرگس گودرزی ❑ بندرعباس، الهام نمازی ❑ بیرجند، مرکز فرزندانگان: خدیجه خواجه / فاطمه غلامی درمیان ❑ تبریز، حامد اولاد غفاری ❑ تهران، یاسر شفیعی الموتی / فریدون مددی ❑ سبزوار، مرکز شهید بهشتی: ع.ح. / سیداحسان صفاری / جمعی از اولیاء مرکز الف.ع. از مرکز فرزندانگان ❑ سنندج، مرکز فرزندانگان: سوگند صالحی / سالار کارگریان از مرکز شهید بهشتی / دانش‌آموز مرکز ❑ شهرکرد، مرکز فرزندانگان: مهناز عقیلی کردی ❑ شیراز، مرکز فرزندانگان: ساره سعیدی / زهرا سلطانی ❑ قائمشهر، مرکز شهید بابائی: ج.ا. / جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزندانگان ❑ قزوین، مرکز فرزندانگان: نسیم شفیعی / دانش‌آموز مرکز / مرکز شهید بابائی / رامین علاء مرکز شهید بابائی / یاسر شفیعی الموتی (فارغ‌التحصیل مرکز) / بابک فروتنی ❑ کرمان، مرکز فرزندانگان: دانش‌آموز پیش دانشگاهی ❑ لار، مرکز فرزندانگان: مریم سجاده / مریم سدره‌نشین / عده‌ای از دانش‌آموزان مرکز ❑ مشهد، مرکز فرزندانگان: آسیه احصایی / مرجان محمودی قشرباطی (فارغ‌التحصیل فرزندانگان) / م.ایقیان (فارغ‌التحصیل شهید هاشمی نژاد) ❑ نیشابور، مرکز شهید بهشتی: دانش‌آموز مرکز.